



● عملیات یگان هوابرد

کتاب نویسنده: جیمز جانسون

ترجمه و تحلیل: حمید ملکی^۱

□ مقدمه مترجم:

« مقاله حاضر ترجمه قسمتی مجزا و کامل از یادداشت های دانشگاه وست پوینت^۲ ایالات متحده امریکا درباره جنگ ۱۹۹۱ خلیج فارس در عملیات سپر صحرا و طوفان صحرا می باشد که تحت عنوان عملیات یگان هوابرد به قلم سپهبد بازنشسته جیمز جانسون^۳ به صورت توصیفی به رشته تحریر درآمده است . این متن که در کتاب «فرماندهان در جنگ» در سال ۲۰۰۵ به چاپ رسیده است حاوی مطالب درخور توجهی از ساختار ، دکترین ، نقاط ضعف و قوت و تواناییهای لشکر ۸۲ هوابرد می باشد که به عنوان مهمترین یگان عمده واکنش سریع استراتژیکی و به منظور پیاده شدن و اجرای عملیات در هر نقطه از جهان در نظر گرفته شده است و در مقطع کنونی متن حاضر برای فرماندهان نیروهای مسلح ج.ا.ا آموزنده و قابل استفاده می باشد . لشکر هوابرد که به عنوان یک یگان واکنش سریع، برخوردار از آموزش کافی مبتنی بر رزم با استفاده از سیستم آموزش نوین می باشد، تمرینات سخت و مستمری را بر حسب سناریوها و فرضیات منطقه عملیات در شرایط آب و هوایی متفاوت به مورد اجرا گذاشته و با تجارب جنگی برون مرزی و بساختار رزمی متناسب برای ضربت، تحرک تاکتیکی و سرعت عمل، در عملیات سپر صحرا و طوفان صحرا در عراق شرکت نموده است. مترجم پس از ارائه متن مقاله به تجزیه و تحلیل مختصری پرداخته و به این نتیجه رسیده است که موفقیت یا شکست یگانهای واکنش سریع ایالات متحده آمریکا در انجام ماموریت های محوله به صحت اطلاعات کسب شده و تجزیه و تحلیل دقیق و بهره برداری به موقع از آنها و همچنین به وضعیت ، تواناییها و موفقیت نیروهای مقابل بستگی دارد و بهره برداری از نقاط ضعف این یگانها با تکیه بر توانمندیها و برخوردار از نفوذ بین المللی و داشتن اراده ملی، شکست تجاوز گری های ایالات متحده را آشکار می سازد .

□ واژه های کلیدی

یگان هوابرد، یگان واکنش سریع، نیروی زمینی آمریکا، عملیات سپر صحرا و طوفان صحرا

² Leaders In War West Point-2005

³ Lieutenant General (Retired) James Johnson

□ عملیات هوابرد

لشگر ۸۲ هوابرد به عنوان یگان رزمی واکنش سریع نیروی زمینی ایالات متحده آمریکا که سابقه خدمت دیرینه دارد، قسمتی از سپاه هجدهم هوابرد بوده و در فورت براگ^۱ کارولینای شمالی مستقر می باشد. لشگر ۸۲ هوابرد تا کنون آمادگی خود را در اجرای عکس العمل سریع در بیشتر ماموریت ها از جمله تهاجم ۱۹۸۹ پاناما به اثبات رسانیده است. نیروی زمینی از آن موقع تا کنون به طور مداوم سپاه هجدهم هوابرد و لشگر ۸۲ هوابرد را به عنوان نیروی واکنش سریع مورد توجه قرار داده است. از این رو عجیب نیست که اولین یگان زمینی که ماموریت یافت وارد خلیج فارس شود لشگر ۸۲ هوابرد بود. هجده ساعت بعد از ابلاغ ماموریت، تیپ جلودار لشگر از پایگاه هوایی پوپ^۲ در کارولینای شمالی در تاریخ هفتم اوت ۱۹۹۱ به پرواز درآمد و تا ۲۴ اوت قسمت اعظم لشگر به عربستان سعودی رسیده بود.

در بخش اول پیکار، سپاه هجدهم هوابرد تنها یگان زمینی مورد نظر در عملیات رزمی علیه عراق بود، ماموریت مقدماتی این یگان به تنهایی دفاع از عربستان سعودی بود. اگرچه عده ای معتقد بودند ماموریت در آنجا به پایان خواهد رسید، ولی همین که قدرت رزمی آمریکا در صحنه با نیروهای اضافی تقویت شد، طراحان جنگ شروع به تهیه عملیات آفندی نمودند. در طرح مقدماتی سپاه «سپاه هجدهم»، لشگر ۲۴ پیاده عهده دار ماموریت تلاش اصلی و لشگر ۸۲ هوابرد در احتیاط سپاه، محافظت خطوط مواصلاتی را می بایست عهده دار می شد. از همان لحظه شروع، عملیات هوابرد، به دلیل احساس خطر در گیری در دشت باز، غیر منطقی به نظر می رسید، زیرا این یک جنگ زرهی بود.

پس از درخواست ژنرال شوارتسکف^۳ و دریافت ماموریت ورود به نبرد از جانب سپاه هفتم، ماموریت سپاه هجدهم به درگیری سخت و طولانی با گارد جمهوری عراق تغییر نمود، مأموریت لشگر ۸۲ در این عملیات احاطه ای یک طرفه از جناح چپ^۴ و سپس نقش دنبال و پشتیبان بود و در نهایت می بایست پایگاههای هوایی اتلیل^۵ و جلیبه^۶ را تصرف می کرد.

سپهد جانسون دور نمایی عمیق و منحصر به فرد از نقش لشگر ۸۲ هوابرد در نبرد زرهی سنگین خلیج فارس ارائه می دهد. او به عنوان فرمانده لشگر در طول جنگ خلیج فارس چنین استدلال می کند که لشگر ۸۲ هوابرد توانسته است موثرترین نبرد بزرگ را در هدایت عملیات هوابرد به مورد اجرا بگذارد. بعلاوه جانسون یک بازنگری داخلی از آموزش، عملیات رزمی، ساختار لشگر و دلایل موفقیت های لشگر در نبرد به عمل می آورد و چنین اظهار می دارد:

¹ Fort Bragg

² Pope Air Force Base

³ schwarzkopf

⁴ Left Hook

⁵ Attalil

⁶ Jalibah



ماموریت تصریحی لشگر هشتاد و دوم هوابرد عبارتست از: پیاده شدن در هر نقطه از جهان در حداقل زمان، رزم و کسب پیروزی قاطع و این سخت‌ترین و پرمسئولیت‌ترین ماموریت در لشگر در نیروی زمینی بوده و نیاز به یگان‌هایی دارد که توانائی کاربرد آنها را در طیف وسیعی از درگیری‌ها داشته باشد، همچنین به سربازانی نیاز دارد که در هر شرایط محیطی اعم از بیابان، سرزمین یخبندان، جنگل، مناطق مسکونی، زمینهای مختلط و پیچیده آموزش دیده و از میزان شایستگی جنگی فوق‌العاده‌ای برخوردار باشند.

پس از جنگ ۱۹۷۳ اعراب و اسرائیل، لشگر ۸۲ هوابرد، به منظور فراهم نمودن مداومت در عملیات رزمی علیه نیروهای سنگین دشمن در صحرا با تامین قدرت آتش شکار تانک و کسب تحرک تاکتیکی، تجهیز و مجدداً سازماندهی گردید. مضافاً بر این که یک گروهان ضد تانک (تاو) در هر تیپ پیاده و یک گردان تانک سبک شرایدن^۱ و گردان بالگرد تک آپاچی^۲ به ساختار نیروئی لشگر اضافه شد. بلافاصله پس از آن، لشگر درگیر طرح‌های عملیات جنگی غیر مترقبه آسیای جنوب غربی گردید. در طول سال‌های دهه ۱۹۸۰ لشگر، توسعه دکتترین ضد تانک خود را ادامه داده و طبق روال همیشگی با نیروهای سازمانی وزیر امر به منظور رزم علیه نیروهای سنگین دشمن در زمینهای باز و بیابانی تحت آموزش قرار گرفت. در این موقع هیچ لشگر سبک نیروی زمینی برای عملیات سیر صحرا و طوفان صحرا مناسب تر از لشگر ۸۲ هوابرد نبود. به منظور تامین نیازهای استراتژیک در به کارگیری نیروهای رزمی در عرصه جهانی و در تمام ایام سال و بدون پیش آگهی، لشگر ۸۲ هوابرد یک گروه رزمی^۳ که گروه آماده لشگر نامیده می‌شود، در دسترس دارد که در ۳۶۵ روز سال قادر است در عرض ۲ الی ۶ ساعت پس از احضار متمرکز و بعد از ۱۸ ساعت گسترش یابد. این سطح آمادگی با سه تیپ و چرخش آنها در سه سیکل متفاوت مداومت پیدا می‌کند:

- ۱- سیکل ماموریت یا اعزام به ماموریت جنگی
- ۲- آموزش برای رزم یا تشدید سیکل آموزشی
- ۳- سیکل پشتیبانی

آنچه که این لشگر را آماده و در این وضعیت مقاوم نگه میدارد، اجرای برنامه‌های آموزشی سخت و واقعی می‌باشد که به مقاومت جسمانی، تمرینات در سطح یگان‌های کوچک، تربیت سربازان متهور و بی‌باک، کسب شایستگی تکنیکی و تاکتیکی فرماندهان و مهارت‌های جنگی گروهی تاکید دارد و این امر با دکتترین نظامی ما تطبیق می‌نماید.

در دسامبر ۱۹۸۹ لشگر ۸۲ هوابرد با تهیه یک تازش هوائی شبانه و غافلگیرانه با پیاده شدن در فرودگاه بین‌المللی توریخوس^۴ جمهوری پاناما، در قالب یک نیروی ذخیره مشترک،

¹ Sheridan

² Apache

³ Task Force

⁴ Torrijos

آمادگی رزمی خود را ثابت کرد. ۲۴ ساعت پس از تهاجم هوایی و قبل از غروب آفتاب تمامی اهداف ۴ گانه روزانه تازش لشگر تامین شد. سه هفته بعد لشگر به منظور حمایت از آزادسازی کشور برای دموکراسی، عملیات پشتیبانی و ثبات را در پاناما سیتی به مورد اجرا گذاشت. لشگر در اواخر ژانویه ۱۹۹۰ به فورت براگ مراجعت نمود. در ژوئیه ۱۹۹۰، زمانی که تنش های خلیج فارس رو به وخامت گذاشت، لشگر هوابرد به همراه سایر یگانهای سپاه هجدهم هوابرد در یک تمرین پاسگاه فرماندهی که «بازنگری داخلی ۹۰» نام داشت، تحت نظارت فرماندهی مرکزی شرکت نمود.

این تمرین همزمان در فورت براگ، کارولینای شمالی و صحرای هارلبرت^۱ فلوریدا انجام گرفت. سناریوی تمرین پاسگاه فرماندهی بر منبای فرضیات حمله عراق به عربستان سعودی باشش لشگر سنگین طراحی شد. سپاه هجدهم هوابرد (درایانه) در منطقه مستقر شد تا پدافند از ناحیه شرقی عربستان را پی ریزی نماید. ماموریت تامین امنیت ظهران^۲، ادمان^۳ و تسهیلات نفتی ابقیق^۴ شباهت زیادی به آخرین ماموریت محوله لشگر ۸۲ هوابرد در عملیات سپر صحرا داشت. تنها چند هفته بعد از اتمام تمرین پاسگاه فرماندهی موسوم به بازنگری داخلی ۹۰، عراق کویت را اشغال کرد و به منظور پیاده شدن فوری در خلیج فارس، به لشگر ۸۲ هوابرد آماده باش داده شد. چند روز قبل از آن من (فرمانده لشگر) در سیکل آموزشی تیپ آماده لشگر، طی یک فرآیند برنامه ریزی شده از سوی مرکز آموزش آمادگی مشترک در فورت چافی^۵ آریزونا مشارکت کرده و در نیمه شب بلافاصله به فورت براگ در کارولینای شمالی مراجعت نمودم. لشگر در آمادگی ۶ ساعت اول ابلاغ آماده باش قرارداشت و به تدریج متمرکز می شد. به دلیل وجود روش های آمادگی و شدت و تناوب برنامه تمرین آمادگی جابه جایی از راه هوا و گسترش، هر فرد می دانست که چه کاری باید انجام دهد و در اجرای فرآیند آن حاضر بود. روز بعد عناصر گروه فرماندهی تیپ آماده لشگری در سیکل ماموریت در مسیر راه ظهران عربستان سعودی بودند.

بعد از یک دوره سه هفته ای توسط ترابری هوایی استراتژیک با استفاده از ۵۸۱ سورتی پرواز هواپیمای سی یکصد و چهل و یک^۶ جابه جا شدیم. نیروهای جابه جا شونده شامل ۱۲۴۰۰ سرباز چترباز به همراه مقادیر زیاد ادوات جنگی لشکر از جمله ۵۴ دستگاه تانک شرایدن (گردان تانک سبک سازمانی لشگر)، ۱۸۸ فروند موشک انداز معمول ضد تانک تاو (اچ.ام.ام. دبلیووی)، سیستم سلاح ضدتانک برد بلند لشگر و یک نیروی رزمی شامل ۱۸ فروند بالگرد تک آپاچی، (بهترین شکارچی تانک شبانه و روزانه نیروی زمینی) بود که در نهم اوت

¹ Hurlbert

² Dhahran

³ Adamman

⁴ Abqaiq

⁵ Fort Chafee

⁶ C 141

۱۹۹۰ به عربستان سعودی رسید. اولین ماموریت لشکر عبارت بود از: ایجاد سرپل و تامین هوایی و دریایی بنادر قابل دسترس به منظور حمایت از نیروهای ائتلاف. در روز دوازدهم اوت تیپ جلودار لشکر در امتداد ساحل خلیج فارس به منظور تامین مناطق قابل دسترس الجبيله^۱ برای تفنگداران دریایی به سمت شمال تغییر مکان داد. عناصر باقیمانده لشکر به منظور دفاع از فرودگاه بین المللی طهران و بندر دریایی ادمان به سرعت در امتداد محورهای پیشروی هدایت شدند. بیانیه پریزیدنت بوش مبنی بر ضرورت وجود یک خط دفاعی در صحرای شنی تلاش توأم با تعهد ایالات متحده امریکا را در دفاع از عربستان سعودی نشان داد. ریاست جمهوری به هنگام ترسیم این خط در روی زمین از سرنیزه یک چتر باز آمریکائی استفاده کرد. در تاریخ ۱۸ اوت، تفنگداران آمریکائی به الجبيله رسیده و روز بیست و ششم مسئولیت منطقه مربوط به خود را به عهده گرفتند. زمانی که پیشروی سریع لشکر ۸۲ هوآبرد در شمال کند می شد تصمیم مبنی بر گسترش نیروی رزمی در عمق و درگیری با دشمن با استفاده از سیستم های موشکی برد بلند و آتش غیر مستقیم بود. اعمال فشار به دشمن، موجب گسترش طولانی و ایجاد فاصله نسبت به خطوط مواصلاتی شده و آن را در مقابل پشتیبانی نزدیک هوایی و دریایی ایالات متحده آسیب پذیر ساخت.

بیست و نهم اوت، لشکر ۸۲ هوآبرد یک گروه رزمی هوانیروز را به منظور اتخاذ موضع در امتداد جاده تپلاین^۲ در نزدیکی النوبیره^۳ مستقر نمود. ماموریت آنها هدایت یک رزم با کمک گرفتن از نیروهای سعودی در صورت ضرورت و ادامه عملیات تامینی به منظور فرسایش نیروهای تهاجمی دشمن که از جنوب خفجی^۴ هدایت می شدند، بود. زمانی که ورود یگانهای سپاه ۱۸ هوآبرد به صحنه دفاعی فرماندهی منطقه شرق کامل شد، مسئولیت این نیروی پوششی کمک به عبور لشکر ۱۰۱ تهاجم هوایی در چهارم سپتامبر بود.

اواخر سپتامبر و اوایل اکتبر، لشکر ۸۲ هوآبرد به منظور دفاع از مناطق نفتی القوار^۵ به سمت بزرگترین ذخایر نفتی جهان تغییر مکان داد. یک تیپ رزمی جهت مسدود کردن مسیرهای دسترسی و محافظت تاسیسات حیاتی نفتی در مجاورت ابقیق و الهوفوف^۶ به کار برده شد. سپس در اوایل دسامبر یک تیپ رزمی دیگر در مرکز شهر ریاض به منظور ممانعت از تهدیدات تروریستی و محافظت از تاسیسات حیاتی مستقر شد.

ما در فاصله زمانی عملیات معروف به سپرصحرا (سپتامبر تا دسامبر ۱۹۹۰) سربازان را در صحرا آبدیده نمودیم. آموزش انفرادی با تاکید خاص بر مقاومت جسمانی و روشهای اقدامات پدافند شیمیائی اجراء شد. آموزش دسته جمعی در یگانهای کوچک و در شرایط تمرینات با به

^۱ Aljubayl

^۲ Tapline Road

^۳ Al Nuayriyah

^۴ Khafji

^۵ Alghawar

^۶ Abquaiq , Alhofhof

کارگیری گلوله جنگی به منظور ایجاد رخنه در موانع ، پاکسازی سنگرها و از بین بردن مواضع و استحکامات در طول عملیات شبانه و روزانه مورد تاکید قرار گرفت . فرماندهان گردان و گروهان طبق روال همیشگی ، توپخانه ، خمپاره اندازها، هلیکوپترهای تک ، پشتیبانی نزدیک هوایی ، زرهی و پشتیبانی مهندسی را در تمرینات با آتش حقیقی تلفیق نمودند . تمام این اعمال در سربازان اعتماد به نفس و هماهنگی نسبت به همدیگر در به کارگیری تجهیزات و در فرماندهان اطمینان ایجاد نمود .

اولویت های من به عنوان فرمانده لشکر ۸۲ هوابرد در عملیات سپرصحرا عبارت بودند از :

- ۱- نیازهای عملیاتی زمان جنگ
- ۲- آموزش انفرادی و گروهی
- ۳- بهداشت سربازان (کیفیت زیستی)
- ۴- محافظت نیرو (توانائی برقراری امنیت روانی در برخورد با توانائی تهدید تروریسم حتی قبل از این که رایج شود، وجود داشت)
- ۵- تامین
- ۶- احترام به استقلال و فرهنگ ملت میزبان

لشکر به آموزش تیم ، رسد و دسته تاکید داشت ، این یگانها برای هر موردی ساختارهای اساسی محسوب می شوند . مهارت در اصول ، تحت شرایط سخت و واقعی ، ایجاد اعتماد به نفس کرده و در میان سربازان و فرماندهان آنها روحیه پیروزی می آفریند .

نبرد هوایی عملیات طوفان صحرا که در ۱۷ ژانویه ۱۹۹۱ شروع شد ، جابه جایی و تحرک لشکر ۸۲ هوابرد را در شمال و غرب از منتهی الیه غرب منطقه نیروهای ائتلاف در نزدیک رفا^۱ در امتداد مرز عراق تحت پوشش تاکتیکی قرار داد . این مانور عملیاتی بی سابقه ۱۶۲۰۰ نفری با ۳۰۹۱ خودرو و ۱۰۹ فروند بالگرد (جابه جایی توسط ترابری هوایی و زمینی حدود ۷۵۰ مایل) از منطقه تجمع تاکتیکی لشکر ۸۲ واقع در داخل مرز سعودی آغاز گردید .

در طول نبرد هوایی ، لشکر در دشت باز قرار گرفت ، جایی که نیروهای ما نسبت به پراکندگی و تهیه موضع و استتار اقدام و آمادگی لازم را در منطقه نبرد کسب نمودند . گشت هوایی و زمینی گسترده در امتداد مرز عراق ، راه را برای اجرای عملیات شناسائی با رزم و به دنبال آن تهاجم در عمق هموار می کرد . این عملیات در عمق یک صد مایلی داخل عراق به مدت یک هفته قبل از اجرای عملیات زمینی صورت پذیرفت. یگان بالگرد تهاجمی آپاچی^۲، تحت پوشش و در تاریکی شب با موشک های ضد تانک هل فایر^۳ و تفنگ ۳۰ م م گاتلینگ^۳ ، نیروهای زرهی ، توپخانه ، آمادگاه ها و تسهیلات فرماندهی و کنترل دشمن را در منطقه مسئولیت لشکر مورد هدف قرار دادند .

¹ Rafha

² Hell Fire

³ Gatling gun(30mm)

عملیات زمینی در ۲۴ فوریه به منظور تصرف شهر السلیمان^۱ با جابه جایی لشگر ۸۲ هوارد در جهت شمال به همراه لشگر ششم سبک فرانسوی آغاز گردید ، سپس لشگر به سمت شرق تغییر مکان داده و از میان لشگر ۱۰۱ تهاجم هوایی به منظور کمک به هنگ سوم سوار زرهی عبور نمود . در عوض هنگامی که لشگر ۲۴ مکانیزه در جهت بصره به سمت شرق تغییر مسیر میداد ، لشگر ۸۲ هوارد در شمال و در مسیر رودخانه فرات و به منظور تصرف پایگاههای هوایی (التلیل) و (جلیبه) هدایت شد ، در این موقع یک صد ساعت از جنگ سپری شده و لشکر تقریباً ۲۵۰ مایل مسافت را در مدت سه روز پیموده بود .

لشگر ۸۲ هوارد به مدت ۳ روز به منظور اجرای عملیات پرده پوشش و برقراری امنیت و کمک انسان دوستانه ، پناه دادن و جابه جایی غیر نظامیان در مسیر شاهراه شماره ۱ و ۸ بصره در محور باریکه رودخانه فرات مستقر شد. لشگر در ۲۴ فوریه ۱۹۹۱ با عناصری از سپاه هفتم تعویض و سپس از طریق هوا و زمین به مواضع قبلی در عربستان سعودی تغییر مکان داد و نهایتاً به طهران منتقل شد، جایی که با بهره گیری از هواپیماهای تجاری از طریق پایگاه هوایی پوپ^۲ و فورت براگ^۳ کارولینای شمالی ، اکثر نیروهای خود را قبل از آوریل ۱۹۹۱ مجدداً به خانه بازگرداند . لشگر ۸۲ هوارد در طول ۸ ماه اردوکنشی جنگی به خلیج فارس تنها ۲ نفر سرباز خود را از دست داد و در طول عملیات جنگی ۱۰۰ روزه و در مرحله عمل فقط ۱۰ نفر سرباز زخمی شدند .

فرماندهی صحنه در طول عملیات نظامی ۸ ماهه ترجیح داد که اجازه ندهد چتربازان لشگر فرود آمده و وسایل و تجهیزات همراه آنان پرتاب شود ، در نتیجه لشگر نتوانست به پتانسیل خود در عملیات هوارد پی ببرد. در حالی که این توانایی در طول عملیات سپر صحرا در زمان اجرای یک عملیات بازدارنده ملموس علیه دومین تجاوز نیروهای عراقی در جنگ خلیج فارس ، به نیروهای هوارد ما اجازه میداد شانس خود را برای ارائه مهارت های پرش امتحان کنند. وانگهی در عملیات طوفان صحراء تاثیر تمرینات مراکز آموزش تاکتیکی هوارد و تظاهر نیرو در تکمیل طرح ها و عملیات فریب فرماندهی صحنه چشمگیر بود و بعداً توانایی تازش هوایی لشگر، مانور عملیاتی آن را در تصرف و تامین اهداف در عمق عراق به طور قابل توجهی تسریع کرد. از نقطه نظرها ، وضعیت های متعددی در خلیج فارس وجود داشتند که کاربرد نیروی هوارد را که دارای بازده زیاد و قابلیت پشتیبانی آمادی بالا و ریسک پائین بود توجیه می نمود. یکی از ویژگیهای دکترین جنگی ارتش در اواخر سال ۱۹۸۰ ، به کارگیری نیروهای ترکیب شده در طول عملیات با تاکید بر فعالیت های آموزشی بود. عملیات ترکیبی با استفاده از یگانهای سنگین با تقویت سبک و یگانهای سبک با تقویت سنگین^۴ به طور متداول در مراکز

¹ As Salman

² Pope AFB

³ Fort Bragg

۴- به طور مثال یک گردان پیاده با یک گروهان زرهی و یا یک گردان زرهی با یک گروهان پیاده تقویت می شود .

آموزش ملی و در مرکز آموزش آمادگیهای مشترک تمرین شد. متأسفانه در طول عملیات طوفان صحرا، تقویت نیرو با ترکیب یگانهای سبک و سنگین در عملیات رزمی مختلف در سایر لشکرهای سپاه ۱۸ هوابرد صورت نگرفت. عملیات نیروهای ادغام شده، تدابیر فرماندهی و کنترل را افزایش داده و مانور تاکتیکی را تسهیل و برای تمام فرماندهان لشکرهای رزمی قابلیت انعطاف بالائی را فراهم نموده است. در مورد لشکر ۸۲ هوابرد، عملیات نیروهای ترکیبی، ظرفیت جنگی مخرب، تحرک تاکتیکی و پایداری قابل ملاحظه ای را در عراق تامین می کرد.

خیلی ها نتوانستند نقش مهم لشکر ۸۲ هوابرد را در عملیات طوفان صحرا کاملاً درک نمایند و این دیدگاه تاثیر سوئی در توان امروزی لشکر گذاشت. بعد از جنگ خلیج فارس اکنون، لشکر گردان زرهی سبک (شرایدن) سازمانی و گردان بالگرد تک (آپاچی) خود را از دست داده است. ظاهراً آنچه که برخی، فراموش کرده اند نقش قابل قبول لشکر ۸۲ هوابرد نیروی زمینی آمریکا در شمال شرق عربستان سعودی است که تنها لشکر رزمی در نیروهای مسلح بود که توانسته بود در ورود به خلیج فارس بدون پیش آگهی به طور استراتژیک گسترش یافته و با کسب آمادگی سریع برای رزم، بلافاصله با نیروهای زرهی دشمن درگیر شود، در صورتی که یگانهای مکانیزه و زرهی به سادگی توانائی چنین برنامه ریزی استراتژیکی سریع را ندارند. امروزه تحرک استراتژیکی ما از طریق دریا و هوا - هنوز یک کمبود عمده ای را منعکس می سازد. لشکر به عنوان یک نیروی واکنش سریع استراتژیکی است که می بایست بتواند در یک جنگ تمام عیار، تحرک تاکتیکی و ضربت را فراهم نماید.

لشکر ۸۲ هوابرد در طول جنگ خلیج فارس به مفهوم آموزش بر مبنای رزم که بخش عمده دکتترین آموزشی ارتش می باشد اعتبار بخشید. بدین ترتیب در فهرست وظایف لشکر در جنگ خلیج فارس بر اساس تغییر در نیازهای عملیاتی تجدید نظر نمودیم. هر کدام از وظایف رزمی را در تمرینات متعدد پاسگاه فرماندهی تمام رده ها، تمرینات ستادی و تمرینات صحرائی در شرایط محیطی متفاوت آموخته و تجزیه و تحلیل نمودیم. در واقع تلاش در اجرای تمرینات با آتش حقیقی برای توسعه اعتماد به نفس سرباز و فرمانده، برقراری انضباط و کنترل آتش و کار تیمی کاملاً ضرورت دارد. ما دو اطاق جنگ در صحرا ایجاد کردیم، به دوصورت، یکی بر اساس سناریو جنگ یک طرفه و دومی بر اساس سناریو جنگ دو طرفه، که این امر در کسب آزادی عمل تیم های آتش و گروه های تفنگدار به هنگام اجرای تمرینات واقعی با نارنجک و سلاح های انفرادی و کسب شایستگی حرفه ای و کسب موفقیت ضرورت دارد. همچنین یک موضع مستحکم به عنوان رده یک گروهان عراقی با ۱/۵ کیلومتر مانع در جلوی آن و یک دستگاه تانک سنگین که در پناهگاه با پوشش بتنی قرار میگرفت ایجاد شد، همچنین یک میدان مین به عمق ۴۰۰ متر تحت پوشش سنگرهای مستحکم و مانعی از سیم خاردار که توسط تفنگداران مراقبت می شد در حالی که در داخل کانال های ارتباطی موضع گرفته بودند، احداث کردیم. این موضع مستحکم به سبک عراقی به منظور سنجش اعتبار هر

گروه رزمی پیاده در یک رده به اشکال مختلف با ترکیبی از رسته ها در آموزش با آتش حقیقی که قدرت ترکیب توپخانه ، خمپاره اندازه ها ، پشتیبانی نزدیک هوایی ، هلیکوپتر تک و پشتیبانی مهندسی را در همگامی با پیاده و زرهی در تصرف هدف ارائه می کرد ، انتخاب گردید . لشگر ۸۲ هوابرد با وصف این که در طول عملیات طوفان صحرا بیشتر از سایر یگانهای ترکیبی سپاه ۱۸ هوابرد اسرای جنگی تخلیه کرد، اما توانست عدم برادرکشی (هم‌میهن‌کشی)^۱ را تجربه نماید (مرتکب خطای انسانی و اشتباه در تشخیص نیروی دشمن و مورد اصابت قرار دادن نیروی خودی نگردید) این عمل می تواند مستقیماً در کسب اعتماد به نفس و انضباط ناشی از اجرای تمرینات واقعی و مکرر در رسته های ترکیبی و در تمام سطوح تاثیر بگذارد.

ساختار نیروئی لشگر ۸۲ هوابرد برای اجرای عملیات رزمی مداوم در مدت زمان جنگ طوفان صحرا مناسب نبود . به عنوان مثال لشگر مجبور بود جهت پشتیبانی ۲ تیپ پیاده خود در طول عملیات زمینی یک بازار تجاری در ریاض به عنوان تکیه گاه به دست آورد . متأسفانه امروزه لشگر از کمترین تحرک تاکتیکی بی بهره است و از توانائی رزمی کمتری برخوردار است. لازم است به منظور افزایش توان رزمی موارد زیر به مورد اجرا گذاشته شود :

۱- فعال نمودن مجدد یک گردان زرهی سازمانی سبک در لشگر که مجهز به سیستم سلاح تانک باشد .

۲- تخصیص یک گردان هجومی به تیپ هوایمانی لشگر مجهز به بالگرد تک آپاچی .

۳- واگذار کردن توپخانه ۱۵۵ م م پشتیبانی عمومی به عنوان توپخانه سازمانی و نیروی تحصیل هدف .

۴- اضافه کردن خودروهای کافی جهت حمل نیرو در یک تیپ پیاده .

امروزه لشگر ۸۲ هوابرد برای ملت ما نیروئی برجسته با قابلیت وارد عمل شدن سریع ، نیروی ضربت استراتژیک در پاسخ به مناقشات کم شدت و در عملیات تثبیت (آرام سازی) و حمایت از دموکراسی به شمار می رود. هدف تحول در نیروی زمینی ، فراهم نمودن نیروی واکنش سریع استراتژیک و توانائی به کارگیری آن در یک طیف گسترده جنگ می باشد ، در صورتی که تا کنون هیچ اقدامی در جهت افزایش توان ضربت و تحرک تاکتیکی لشگر ۸۲ هوابرد صورت نگرفته است . سه گروه رزمی تیپ موقت نیروی زمینی به سهولت در یک دوره زمانی کوتاه توسط لشگر ۸۲ هوابرد دریافت گردید، که در مجموع مستلزم واگذاری یک گردان تانک سبک و خودروهای مخصوص حمل نیروی کافی در حد یک تیپ تفنگدار می باشد. علاوه بر اینها هم اکنون تفکرات سازمانی و عملیاتی ، دکترین آموزشی و رویه های کسب آمادگی تیپ آماده در لشگر ۸۲ هوابرد نهادینه شده و آماده است اهداف تحول نیروی زمینی را برآورده نماید .

^۱ Fratricide

لشگر در طول عملیات طوفان صحرا و سپر صحرا به ۴ دلیل حیاتی زیر موفق بود :

۱- ویژگی سرباز آمریکایی

تهور فوق العاده در رزم، طرح و دلسوزی در برخورد با زندانیان جنگی و تعداد قابل ملاحظه پناهندگان و در رویارویی با غیر نظامیان در جابه‌جائی آنها در امتداد رودخانه فرات. کمافی السابق، این سربازان به دلایل حقوقی به میهن خود کاملاً متعهد بودند .

۲- آموزش سخت و واقعی

به هنگام جابه‌جائی از راه هوا ، گسترش و در شرایط دفاع و بازدارندگی در هر دو عملیات سپر صحرا و طوفان صحرا در عربستان سعودی ، آموزش سربازان نجات بخش بود . این سبک آموزش دستاورد مثبت انقلاب آموزشی در سال ۱۹۸۰ بود .

۳- رهبری

سیستم رهبری در تمام رده‌های فرماندهی ، در سطح افسران و درجه داران ، به ویژه در سطح یگانهای کوچک برجستگی خود را به اثبات رسانید . این امر نتیجه تأکید مضاعف نیروی زمینی (ارتش) بر بهبود کیفیت رهبری در طول دهه ۱۹۸۰ و توسعه و ارتقاء سیستم آموزش درجه داری، بعلاوه توفیق در فارغ التحصیل نمودن تعداد بی‌شماری فرماندهان جزء از آموزشگاه رنجر بود .

۴- پشتیبانی مردم آمریکا

عملیات سپر صحرا / طوفان صحرا به دلیل پشتیبانی همه جانبه مردم - در تمام گروه‌های سنی و در تمام گامهای زندگی از تمام نقاط کشور و در واقع جهان - یک پیروزی بزرگ برای نیروهای مسلح آمریکا بود، از همه مهمتر پشتیبانی رزم دیدگان (کهنه سربازان)، که دعا و توجه آنان الهام بخش فوق العاده‌ای برای همه افراد نیروهای مسلح درگیر جنگ به شمار می‌رود.

□ تجزیه و تحلیل استراتژیکی مترجم:

فرمانده لشگر ۸۲ هوابرد در ابتدای یادداشت خود به سوابق عملیاتی یگان اشاره می‌کند و طی ارائه تاریخچه ای مختصر از آن ، موفقیت های برون مرزی را بیان می‌نماید . نکته حائز اهمیت داوطلب بودن لشگر در عملیات و سرعت عمل آن می‌باشد . دیگر این که پس از اجرای هر ماموریتی، تداوم طرح ریزی ها و تجزیه و تحلیل گزینه های بعدی در شرایط مختلف جریان دارد و هر لحظه ممکن است ماموریت یگان تغییر یابد که مستلزم قابلیت انعطاف یگان در اجرای عملیات جدید می‌باشد .

ماموریت این لشگر در بعد جهانی تعریف و تصریح گردیده است و آن جابه‌جائی سریع در حداقل زمان ممکن و وارد عمل شدن در هر نقطه از جهان بوده که قابل تأمل می‌باشد .

ماموریت یگان هوابرد بعد از وارد عمل شدن ، قطع خطوط مواصلاتی و تصرف پایگاه های هوائی و همچنین فشار به دشمن جهت گسترش و فاصله گرفتن از خطوط مواصلاتی می‌باشد که با اصول تاکتیکی مطابقت می‌نماید . ایجاد سربل در سواحل و تأمین هوائی و دریائی بنادر

جهت پیاده شدن تفنگداران دریایی از سایر مأموریت ها به شمار می رود . نوع مانوری که لشگر انتخاب می کند پیشروی در عمق و اتخاذ مانور احاطه‌ای جهت تصرف هدفها می باشد .

ساختار لشگر ۸۲ بر مبنای کسب تحرک تاکتیکی و حداکثر ضربت و مداومت عملیات تعریف شده است که ترکیبی از یگانهای سبک زرهی ، بالگردها و سایر یگانهای پشتیبانی مورد نیاز می باشد که تا اندازه ای خود کفا می باشد ، این لشگر می تواند در کوتاه مدت بدون اتکا به پشتیبانی آمادی به مأموریت خود ادامه دهد ، مع الوصف در دراز مدت نیاز به پشتیبانی مداوم داشته و متکی به منابع کشور میزبان یا اشغال شده می باشد. جابه‌جایی حجم گسترده ادوات جنگی و نیروی انسانی با تعداد قابل توجهی هواپیمای ترابری سنگین ، نیازمند ایجاد پل هوایی و هماهنگی بین المللی در خصوص پرواز و فرود یا بار ریزی و پرش چتر باز می باشد .

دکترین آموزشی نیروی زمینی به ویژه در این لشگر واکنش سریع بر مبنای رزم حقیقی و ترکیب رسته ها با بهره گیری از تکنیک های پیشرفته رایانه‌ای ، مشابه سازی ، تهیه سناریو بر اساس فرضیات و زمین منطقه عملیات و آماده کردن زمین مشابه عملیات احتمالی و اجرای تمرینات مکرر و سخت در شرایط مختلف آب و هوایی جهان با تأکید بر مقاومت جسمانی، کسب مهارت های انفرادی و گروهی و توجه به ارتقاء و بهبود کیفیت فرماندهی و آموزش های تخصصی مانند رنجر می باشد .

در ادامه تحلیل استراتژیکی مأموریت نیروی زمینی ایالات متحده آمریکا می توان گفت به طور کلی استراتژی عملیاتی این نیرو از اندیشه استراتژیک تهاجمی تبعیت می کند و اهداف استراتژیکی که برای این یگان واکنش سریع پیش بینی شده است پیاده شدن و اجرای عملیات سریع در راه های مواصلاتی حیاتی ، فرودگاه های بین المللی و اجرای عملیات آرام سازی به اصطلاح برای آزادی و دموکراسی و شرکت در عملیات توسعه و پدافند داخلی در کشورهای میزبان و اشغال شده است. این لشگر قادر است با ساختار تعریف شده و تجهیزات مدرن و سیستم فناوری نوین که در اختیار دارد، در حداقل زمان ، در نقاط استراتژیک و در بعد جهانی با بهره گیری از سیستم ترابری هوایی سنگین ، طرح های استراتژیک خود را به مورد اجرا بگذارد، به نحوی که با رعایت اصل غافلگیری توانائیهای خود را به نحوی پای کار آورد تا طرف مقابل در واکنش به وضعیت جدید و تطبیق نیروهای خود دچار مشکل شود .

از مسائل مهمی که در اجرای استراتژی عملیاتی توسط این یگان مورد توجه قرار گرفته است طرح ریزی ها می باشد. طرح ریزی اقدامی است که به وسیله آن می توان گریبان خود را از چنگال تلفات ، ضایعات و خسارات نجات داد و در سایه آن به مزیت و برتری دست یافت . پس از جمع آوری اطلاعات و ارائه آموزش های اولیه به نیروها ، باید برای چگونگی انجام عملیات توسط نیروها نسبت به برنامه ریزی و نقشه کشی جنگ اقدام کرد^۱.

طرح ریزی دائمی ، آموزش و تمرین مداوم و کسب اطلاعات استراتژیک مورد توجه نیروی زمینی ایالات متحده است که با تلفیق ظرفیت مدیریت و سازماندهی در تمام سطوح این اصل مهم استراتژی نظامی را با در نظر گرفتن تجربه و علم به درستی رعایت می‌کند. تحرک و قابلیت انعطاف به لحاظ ساختاری و ماموریت و مکان عمل بر مبنای آمادی یکی دیگر از اصول مهم استراتژی نظامی نیروهای مسلح آمریکا است که مورد توجه قرار گرفته است.

فرماندهان زمانی می‌توانند تحرک سریع و محاسبه شده را به منظور کسب پیروزی در صحنه جنگ اعمال نمایند که اصل تحرک را در اجرای استراتژی عملیاتی رعایت نموده و مدیریت آماد را به لحاظ این که توانائی‌ها و ذخائر و منابع را به نحو شایسته در خدمت جنگ قرار می‌دهد و مداومت آن را تضمین و تحرک و قابلیت انعطاف را در تحمیل اراده بر دشمن به نیروهای خودی ارزانی می‌دارد، با اهمیت تلقی نمایند. ایالات متحده آمریکا در صحنه بین المللی از پایگاه‌های بی‌شمار در کشورهای دوست و هم‌پیمان بهره‌مند می‌باشد و توانسته است ضعف استراتژیکی بر دور بودن فاصله آمادی از صحنه‌های پیکار را برطرف نماید تا قادر باشد در هر نقطه از جهان دست به عملیات تهاجمی بزند .

به رغم این که ایالات متحده آمریکا در بهره‌گیری از اطلاعات وسیع و دقیق و داشتن فناوری نوین ، ماهواره‌های جاسوسی و همچنین تمرین و آموزش در زمین‌های مشابه برابر طرح‌ریزی‌های قبلی، تا اندازه‌ای موفق بوده است، با این وصف هنوز نقاط ضعف مهمی وجود دارد که نیروهای مسلح به‌ویژه نیروی زمینی آمریکا را به شدت آسیب پذیر می‌سازد .

عدم شناخت دقیق از اراده و اعتقادات مردمی در کشورهای جهان که به‌کارگیری ابزار زور و توان تسلیحاتی فوق مدرن و مخرب را در شکستن اراده ملت‌ها ناتوان ساخته است . و از طرفی تلفات زیاد و طولانی شدن جنگ برای نیروهای مسلح آمریکا غیر قابل تحمل است. نظر به این‌که پیاده شدن نیروی چتر باز در سرزمین‌های ناشناخته همواره با ریسک روبرو می‌باشد بنابراین آمریکا تلاش می‌نماید که از این آسیب‌پذیری اجتناب نماید. در کشورهای که از عمق استراتژیک قابل ملاحظه و وضعیت جغرافیایی پیچیده‌ای برخوردار هستند، رهائی و پشتیبانی این یگان واکنش سریع استراتژیکی بسیار کار مشکلی می‌باشد. هر چند پیشرفت فناوری نوین مرزهای جغرافیایی را در نوردیده است، مع الوصف هنوز مناطق جغرافیایی و سرزمین‌های قابل توجهی وجود دارند که اشغال نظامی و یا تهاجم به آنها بسیار مشکل است .

کسب برتری و پیروزی در حداقل زمان با بهره‌مندی از قدرت و تحرک بالا در استراتژی عملیاتی نیروی زمینی ایالات متحده جایگاه مهمی دارد. بنابراین در خنثی کردن این استراتژی تهاجمی می‌بایست از اصولی پیروی کرد که تلفات بیشتری را به دشمن تحمیل نماید. توجه به حفاظت از اطلاعات استراتژیک ، به کارگیری عملیات پوشش و فریب ، کسب توانائی تحرک و ضربت به منظور هدایت یگانها در اعمال صحیح استراتژی تدافعی و تحمیل اراده و وارد کردن خسارت جبران‌ناپذیر ، در این راستا بسیار موثر خواهد بود .